



Critical Analysis of Jurists' Approaches to Narrations Guiding the Expansion of Zakat Cases

Alborz Mohaghegh Garfami¹

1. Corresponding Author, Master's Graduate in Quranic and Hadith Sciences, Department of Quranic and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: mohaghegh.gr@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 26 May 2025

Revised: 28 June 2025

Accepted: 23 July 2025

Available Online: 25 July 2025

Keywords:

Zakat Subjects, Conflicting Narrations, Recommended Acts, Taqiyya (Precautionary Dissimulation), Collective Evidence, Infallible Forgiveness.

ABSTRACT

Zakat is one of the obligatory acts of worship in Islam, producing various social, economic, and ethical benefits. One of the subsidiary issues relates to the items subject to zakat. Regarding this, two general categories of narrations exist: one limits the items to nine specific cases, while the other suggests the possibility of expanding zakat cases. Jurists have adopted three approaches to the latter narrations: rejection, interpreting as recommended actions, or interpreting as taqiyyah (precautionary practice). This study employs a descriptive-analytical method and evidentiary sources to analyze these narrations. Following the examination and critique of each approach, results show that none effectively resolves the contradictions in narrations. Subsequently, a set of narrations is introduced as collective evidence, which includes factors such as the Prophet's (pbuh) forgiveness regarding other cases, exemption of zakat on dates by Imam Kazim (pbuh), confirmation of zakat on rice for Iraqi people, and dependence of zakat items on infallible leader's opinion. The research concludes that zakat cases are contingent on temporal, spatial, or communal interests, and can be determined by the infallible Imam or righteous rulers of the Islamic state.

Cite this article: Mohaghegh Garfami, A. (2024). Critical Analysis of Jurists' Approaches to Narrations Guiding the Expansion of Zakat Cases. *Ibadah Fiqh Doctrines*, 4(7), 89-114. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7052.1218>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.

تحلیل انتقادی مواجهه فقیهان با روایات رهنمون بر توسعه موارد زکات

البرز محقق گرفمی^۱ 

۱. نویسنده مسئول، دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: mohaghegh.gr@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	زکات در شمار واجبات عبادی اسلام قرار دارد که ادای آن ثمرات گوناگون اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی در پی دارد. یکی از فروع مربوط به این فریضه، مواردی است که زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد. در این باره، دو دسته کلی از روایات وجود دارد: بر اساس دسته‌ای، موارد زکات در نه مورد منحصر است و ظاهر دسته دیگر، بر امکان توسعه موارد زکات دلالت دارد. فقیهان در مواجهه با روایات دسته دوم، سه رویکرد را برگزیده‌اند: طرح آن‌ها، حمل بر استحباب یا حمل بر تقیه. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع اسنادی، به تحلیل روایات یادشده پرداخته است. پس از تبیین و نقد هر یک از رویکردها، ناکارآمدی آن‌ها در رفع تعارض روایات اثبات شده است. در گام بعد، برای ارائه رویکردی مناسب، شماری از روایات به‌عنوان شاهد جمع مورد استناد قرار گرفته‌اند که دربردارنده مؤلفه‌هایی چون عفو رسول خدا ﷺ از سایر موارد، عفو زکات خرما توسط امام کاظم ﷺ، ثبوت زکات برنج برای مردم اهل عراق، و وابسته بودن موارد زکات به نظر معصوم ﷺ هستند. دستاورد پژوهش نشان می‌دهد که بر اساس این روش، موارد زکات وابسته به شرایط زمانی، مکانی یا مصالح بوده و معصوم ﷺ یا حاکمان صالح دولت اسلامی می‌توانند موارد آن را تعیین کنند.
کلیدواژه‌ها: متعلقات زکات، روایات متعارض، استحباب، تقیه، شاهد جمع، عفو معصوم ﷺ.	

استناد: محقق گرفمی، البرز. (۱۴۰۴). تحلیل انتقادی مواجهه فقیهان با روایات رهنمون بر توسعه موارد زکات. آموزه‌های فقه عبادی، ۷(۴)، ۸۹-۱۱۴. <https://doi.org/10.30513/jwd.2025.7052.1218>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی

مقدمه

زکات یکی از واجبات بنیادین دین اسلام است که با وجود قرار گرفتن در شمار اعمال عبادی، آثار و نتایج اجتماعی متعددی بر آن مترتب است. در آموزه‌های قرآنی، سی و دو آیه به تشریع زکات، بیان برخی فروع فقہی آن و نیز آثار سازنده پرداخت آن پرداخته‌اند. در منابع حدیثی نیز علاوه بر تأکید بر ضرورت پرداخت زکات، به برخی کارکردهای آن اشاره شده است. اهمیت این فریضه سبب گردیده روایات فراوانی درباره انواع، آثار و فروع فقہی آن از معصومان علیهم‌السلام صادر شود. افزون بر مفهوم «زکات ظاهری»، در روایتی از مفهومی با عنوان «زکات باطنی» نیز سخن به میان آمده است.^۱ امام عسکری علیه‌السلام نیز ذیل آیه «وَأَتُوا الزَّكَاةَ» (بقره: ۴۳) چنین تفسیر فرموده‌اند: «أَيُّ مِنَ الْمَالِ وَالْجَاهِ وَقُوَّةِ الْبَدَنِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷، ص ۲۲۸). در برخی آثار فقہی نیز از تعبیر «زکات الابدان» در برابر «زکات الاموال» استفاده شده و مراد از آن، زکات فطره دانسته شده است (سلاردیلمی، ۱۴۰۴، ص ۱۲۷؛ طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۱۹۲). با این حال، به نظر می‌رسد در این تعبیر نوعی تسامح وجود دارد، زیرا در روایتی همچون «لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ، وَزَكَاةُ الْاَبْدَانِ الصِّيَامُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۳۶۹)، زکات بدن همان روزه گرفتن دانسته شده است که در آن، معنای لغوی زکات و نقش آن در تزکیه نفس مورد نظر بوده نه حقیقت شرعی این مفهوم.

در موضوع مواردی که زکات به آن‌ها تعلق می‌گیرد، دودسته روایت وجود دارد: دسته‌ای که بر حصر متعلقات زکات در مواردی مشخص دلالت دارند و دسته‌ای که ظاهر آن‌ها بر محدود نبودن این موارد است. فقیهان در مواجهه با این دودسته روایت، رویکردی یکسان نداشته‌اند. مشهور فقها موارد زکات را به نه مورد زیر منحصر کرده‌اند: طلا، نقره، گاو، گوسفند، شتر، گندم، جو، خرما و کشمش (شیخ مفید، ۱۴۱۰،

۱. ثقه الاسلام کلینی به اسناد خویش از مفضل بن عمر نقل می‌کند: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه‌السلام فَسَأَلَهُ رَجُلٌ فِي كَيْفِ حُجِّبِ الزَّكَاةِ مِنَ الْمَالِ؟ فَقَالَ عليه‌السلام لَهُ: الزَّكَاةُ الظَّاهِرَةُ أَمْ الْبَاطِنَةُ تُرِيدُ؟ فَقَالَ أُرِيدُهُمَا جَمِيعًا. فَقَالَ عليه‌السلام أَمَّا الظَّاهِرَةُ فَبِئْسَ كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةَ وَعِشْرُونَ، وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَلَا تَسْتَأْذِنُ عَلَى أَخِيكَ بِمَا هُوَ أَحْوَجُ إِلَيْهِ مِنْكَ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۱۸۰).

تحلیل انتقادی مواجهه فقیهان با روایات رهنمون بر توسعه موارد زکات / البرز محقق گرمی ۹۲

ص ۳۳؛ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۱۷۴؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۱۵؛ ابن ادریس، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۱۱۱؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۱۳۰؛ محقق سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۰؛ یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱۱، ص ۵۹؛ خویی، ۱۴۲۲، ص ۳۱۸؛ گلپایگانی، بی تا، ج ۱، ص ۲۷۸؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۱؛ وحید خراسانی، ۱۳۸۶، ص ۳۵۹. در این دیدگاه، روایات دال بر توسعه موارد زکات یا بر استحباب حمل شده اند یا بر ترقیه (برای نمونه نک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۴۴؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۱۵۰ و ۱۵؛ نجفی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۶۵). برخی دیگر نیز بدون اتخاذ موضع روشن میان این دو احتمال، صرفاً از ظاهر روایات بیانگر توسعه صرف نظر کرده اند (محقق سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۴۳۰).

با این حال، در دهه های اخیر، به دلایلی چون شکل گیری حکومت های اسلامی، گسترش نهادهای حکومتی مرتبط با سرپرستی نیازمندان، و توسعه نسبی درآمدهای گوناگون شهروندان مسلمان، این دیدگاه پدید آمده که موارد زکات قابل توسعه است. برخی فقیهان، با بررسی دقیق ادله، این حکم را تنها موافق با احتیاط دانسته اند (منتظری، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۶۸-۱۶۹؛ فضل الله، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۴۸۷). برخی دیگر با بهره گیری از اصل ضرورت تغییر برخی احکام بر حسب شرایط زمانی، حکم به توسعه موارد زکات در عصر کنونی داده اند (صادقی تهرانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۱۱؛ جعفری، ۱۴۰۰، ص ۵۳۱؛ جناتی، ۱۳۸۵، ص ۷۷). دیدگاهی نیز وجود دارد که اختیارات حکومت اسلامی را در توسعه موارد زکات تنها به جهت نیازهای جامعه اسلامی و ضرورت، مجاز می داند (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۷۶، ص ۹).

این پژوهش، به روش توصیفی-تحلیلی و با بهره از منابع اسنادی، در پی یافتن حکمی مناسب برای تعلق زکات به مواردی غیر از نه مورد معروف است. پرسش اصلی آن است که آیا موارد زکات تنها در همان موارد نه گانه منحصر هستند؟ برای دستیابی به پاسخ، دیدگاه های مبتنی بر انحصار موارد زکات تحلیل و با دلایل مقبول نقد شده اند. سپس، دیدگاه برگزیده با بهره از بخش هایی از روایات دربردارنده حکم، در قامت «شاهد جمع» سامان یافته و بر این اساس، حکمی نوین ارائه می شود که با توجه به همه ادله، بدون قید «احتیاط واجب» یا «مستحب» قابل صدور است.

۱. پیشینه

در مکتوبات فقه فتوایی و استدلالی مرتبط با فروعات زکات، بخشی به تبیین موارد واجب زکات اختصاص یافته است. براساس جست و جوی انجام شده، برخی آثار به طور ویژه موارد زکات یا امکان توسعه آن‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. برای نمونه، حسینعلی منتظری در بخشی از «کتاب الزکاة» (۱۴۰۴) کوشیده است با بهره‌گیری از اهداف تشریع زکات و مؤلفه‌های متغیر زمانی و مکانی، امکان توسعه موارد زکات را به اثبات برساند. در کتاب «فقه الزکاة؛ دراسة مقارنة لمكانتها وفلسفتها في ضوء القرآن والسنة» (۱۴۲۲ق) به قلم یوسف قرضاوی نیز توسعه موارد زکات از رهگذر توجه به مقاصد تشریع این فریضه پی گرفته شده است.

محمد قائنی در کتاب «زکات پول‌های رایج و اشیای نوپیدا» (۱۳۸۵)، با بررسی ادله نفی زکات از غیر موارد نه‌گانه و تبیین ادله جواز زکات در پول‌های رایج، بر این باور است که روایات بیانگر حصر، تنها به حصر مواردی دلالت دارند که در زمان رسول خدا ﷺ وجود داشته و نسبت به حکم پول‌های رایج ساکت‌اند (ن.ک: قائنی، ۱۳۸۵، ص ۶۱-۶۲). در کتاب «زکات باطنی» (۱۳۹۴) به قلم جواد ایروانی نیز به شایستگی از یکی از واجبات مالی به نام زکات باطنی سخن گفته شده که نصاب ظاهر و مخفی ندارد و به میزان محرومیت در جامعه وابسته است (ایروانی، ۱۳۹۳، ص ۴۴).

محمد تقی جعفری در مقاله «عدم انحصار زکات در موارد نه‌گانه» (۱۴۰۰)، پس از تبیین مفهوم زکات و انفاق در قرآن، با تمسک به آیات بیانگر علت و حکمت پرداخت‌های مالی در قالب انفاق، روایات انحصار را معارض با این عمومات دانسته و آن‌ها را تأمین‌کننده هدف نمی‌داند (جعفری، ۱۴۰۰، ص ۵۱۳-۵۲۹).

در مقاله «تحلیل نظری زکات و بررسی امکان تعمیم دامنه اموال مشمول زکات» (۱۳۸۸)، که با همکاری علمی محمد مهدی عسکری و مهدی اسماعیلی پور رده تدوین شده، تلاش شده است با بهره‌گیری از روایت دال بر استقرار زکات در عصر امیرالمؤمنین علی علیه السلام و نیز شماری از روایات دیگر، حکم تعمیم زکات بر اموال گوناگون به اثبات برسد. رحمت شایسته‌فرد نیز در مقاله «بررسی حصر و اطلاق موارد

متعلق زکات» (۱۳۹۷)، پس از نقل روایات و دیدگاه شماری از فقیهان، راکد بودن هرگونه مالی را سبب تعلق زکات به آن دانسته است.

در مقاله «مبانی نظریه عدم انحصار وجوب زکات در موارد نه گانه» (۱۳۸۲) به قلم مهدی نظری، با تکیه بر مؤلفه مخالفت با قرآن، روایات بیانگر حصر مرجوح دانسته شده و بر شرایط ویژه زمانی حمل گردیده‌اند. محمد قاسم الشوم نیز در کتاب «زکاة الزروع والثمار فی ضوء تطور الزراعة فی العصر الحديث» (۱۴۳۲ق) به تبیین چهار نظریه درباره زکات محصولات زراعی پرداخته است: (۱) انحصار به گندم، جو، کشمش و انگور؛ (۲) هر آنچه قوت آدمی بوده و قابلیت حفظ و بقا داشته باشد؛ (۳) هر آنچه قابل وزن کشی و بقا باشد؛ و (۴) هر آنچه از زمین خارج می‌گردد. وی با در نظر گرفتن شرایط خاص، به نظریه چهارم باورمند است.

با وجود این پژوهش‌های ارزشمند، راهکار مقبولی برای جمع میان مجموعه روایات موضوع، به عنوان پژوهشی مستقل، مورد توجه قرار نگرفته است. نوآوری این پژوهش در ارائه راهکاری جدید برای زدودن تعارض میان روایات مربوطه، بر اساس روش «شاهد جمع»، سامان یافته و به حکمی نوین درباره موارد زکات انجامیده است. تبیین دقیق چالش‌های هریک از سه دیدگاه - طرح روایات رهنمون بر توسعه، حمل آن‌ها بر استحباب یا تقیه - نیز از نوآوری‌های این نوشتار به شمار می‌رود. همچنین، استفاده از دستاوردهای پیشین برای تبیین روایات رهنمون، از دیگر نوآوری‌های این جستار است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تال جامع علوم انسانی

۲. روایات بیانگر موضوع

حکم موارد زکات در قرآن به نحو اجمال بیان شده است و سنت تشریعی قولی و عملی رسول خدا ﷺ و معصومان علیهم‌السلام به عنوان منبعی تشریعی برای احکام اسلامی، قابلیت تبیین این اجمال را دارد. روایات بیانگر موضوع را می‌توان به دودسته کلی تقسیم کرد: دسته نخست، روایاتی است که موارد زکات را در نه مورد منحصر می‌دانند و دسته دوم، روایاتی که امکان توسعه موارد زکات را بیان می‌کنند.

۲-۱. روایات بیانگر انحصار موارد زکات

در این بخش، به روایات دال بر انحصار موارد زکات پرداخته می‌شود:

ثقة الاسلام کلینی به اسناد خویش، در حدیث صحیحی از پنچ تن از اصحاب اجماع، از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ فِي الْأَمْوَالِ، وَسَمَّيَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، وَعَقَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَمَّا سِوَاهُنَّ: فِي الذَّهَبِ، وَالْفِضَّةِ، وَالْإِبِلِ، وَالْبَقَرِ، وَالْغَنَمِ، وَالْحِنْطَةِ، وَالشَّعِيرِ، وَالتَّمْرِ، وَالزَّرْبِيبِ، وَعَقَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷، ص ۴۳).

شیخ طوسی نیز در حدیث صحیح دیگری از بزرگواران، از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که درباره موارد زکات محصولات زراعی فرمودند: «وَأَمَّا مَا أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ مِنْ شَيْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ فَلَيْسَ فِيهِ زَكَاةٌ إِلَّا فِي أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ: الْبُرِّ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّرْبِيبِ، وَلَيْسَ فِي شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ الْأَشْيَاءِ»^۱ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۹).

روایات مشابه دیگری نیز وجود دارند که بر اساس مدلول آنها، زکات از مواردی مانند لباس‌های گران بها، زیورآلات، طلا و نقره غیر مسکوک و سایر موارد به جز غلات اربعه و اغنام ثلاثه نفی شده است (برای مطالعه بیشتر: کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۷، ص ۶۶-۷۰؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲ق، ج ۲، ص ۴۲۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۱۴). مجموع این روایات، دیدگاهی را تقویت می‌کنند که موارد زکات واجب را منحصر به همین نه مورد می‌داند.

۲-۲. روایات بیانگر توسعه

این روایات را می‌توان به دودسته تقسیم نمود:

۲-۲-۱. روایات بیانگر شمول زکات بر هر محصول زراعی مکمل و موزون

ثقة الاسلام کلینی در حدیث صحیحی از محمد بن اسماعیل بزیع چنین آورده است: «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ علیه السلام إِنَّ لَنَا رَطْبَةً وَأَرْزًا هَذَا الَّذِي عَلَيْنَا فِيهَا؟ فَقَالَ علیه السلام: أَمَّا

۱. خدا زکات را همراه نماز در اموال واجب کرد و رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را در نه مورد قرارداد و غیر از این موارد را عفو نمود: طلا، نقره، شتر، گاو، گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش؛ و ما بقی را عفو نمود.
۲. آنچه از زمین می‌روید، زکات ندارد مگر در چهار مورد: گندم، جو، خرما و کشمش؛ و در غیر این چهار مورد، زکات واجب نیست.

تحلیل انتقادی مواجهه فقیهان با روایات رهنمون بر توسعه موارد زکات / البرز محقق گرمی ۹۶

الرَّطْبَةُ فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ، وَأَمَّا الْأَرُزُّ فَمَا سَقَتِ السَّمَاءُ فِيهِ فَبِالْعُشْرِ، وَمَا سَقِيَ بِالْدَّلْوِ فَنِصْفُ الْعُشْرِ، مِنْ كُلِّ مَا كَلْتَ بِالصَّاعِ أَوْ قَالَ وَكِيلَ بِالْمِكْيَالِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۷).

در حدیث صحیح دیگری از طریق حریر از زراره از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است: «كُلُّ مَا كِيلَ بِالصَّاعِ فَلَبَغَ الْأَوْسَاقُ فَعَلَيْهِ الزَّكَاةُ، وَقَالَ: جَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الصَّدَقَةَ فِي كُلِّ شَيْءٍ أَنْبَتَتِ الْأَرْضُ إِلَّا مَا كَانَ فِي الْخَضِرِ وَالْبُقُولِ وَكُلِّ شَيْءٍ يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۵-۴۶).

در شماری دیگر از روایات نیز پرداخت زکات بر تمام حبوبات لازم دانسته شده است. برای نمونه:

ثقه الاسلام کلینی در حدیث صحیحی، پرسش محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام و پاسخ ایشان را چنین نقل کرده است: «سَأَلْتُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْحُبُوبِ مَا يُزَكَّى مِنْهَا؟ قَالَ: الْبُرُّ وَالسَّعِيرُ وَالذَّرَّةُ وَالذُّخْنُ وَالْأَرُزُّ وَالسُّلْتُ وَالْعَدَسُ وَالسِّمْسِمُ، كُلُّ هَذَا يُزَكَّى وَأَشْبَاهُهُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۵).

در روایت صحیح مشابه دیگری از طریق ابوبصیر آمده است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَلْ فِي الْأَرُزِّ شَيْءٌ؟ فَقَالَ: نَعَمْ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّ الْمَدِينَةَ لَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ أَرُزٍّ فَيَقَالُ فِيهِ، وَلَكِنَّهُ قَدْ جُعِلَ فِيهِ، وَكَيْفَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَعَامَّةُ خَرَجِ الْعِرَاقِ مِنْهُ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۵). به موجب این روایت، برنج نیز مشمول زکات خواهد بود.

مجموع این روایات دارای استفاضه بوده و حتی برخی از فقیهان بر این باورند که از تواتر جمالی برخوردارند (عراقی، ۱۴۱۴، ج ۲، ص ۳۹۳). بر اساس این روایات، ثبوت زکات در غیر از موارد نه گانه مشهور به اثبات می‌رسد.

۲-۲-۲. روایات بیانگر شمول زکات بر تمام درآمدهای یک ساله

بر پایه شماری از روایات، هر آنچه عنوان «مال» بر آن صدق کند، پس از گذشت یک سال، مشمول زکات خواهد بود.

۱. اوساق جمع وسق است و مراد از آن شصت رطل، ۱۶۰ من، ۳۲۰ رطل حجازی یا سه قفیز است. ن.ک: ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۲، ص ۸۵۳؛ فیومی، ۱۴۱۴، ص ۶۶۰؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۴۶.

ثقه الاسلام کلینی به سند صحیح خود از محمد بن مسلم نقل می‌کند که امام صادق علیه السلام فرمودند: «كُلُّ مَالٍ عَمِلْتَ بِهِ فَعَلَيْكَ فِيهِ الزَّكَاةُ إِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۹۶).

همچنین صاحب تهذیب الأحکام در حدیث صحیحی از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام چنین آورده است: «لَيْسَ عَلَى الْخَضِرِ وَلَا عَلَى الْبُطِيخِ وَلَا عَلَى الْبُقُولِ وَأَشْبَاهِهِ زَكَاةٌ إِلَّا مَا اجْتَمَعَ عِنْدَكَ مِنْ غَلَّتِهِ فَبَقِيَ عِنْدَكَ سَنَةً» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۶). این روایت با سند صحیح دیگری از سماعه بن مهران نیز نقل شده است (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۹). براساس این مضمون، درآمد حاصل از فروش سبزیجات نیز می‌تواند مشمول زکات گردد.

با این حال، در شماری دیگر از روایات، سبزیجات مشمول زکات دانسته نشده‌اند.^۱

به نظر می‌رسد علت اصلی عدم تعلق زکات به «عین» سبزیجات، فسادپذیری سریع آنها در مدت کوتاه است. این نکته در برخی روایات، مانند روایت صحیح «كُلُّ شَيْءٍ لَا يَكُونُ لَهُ بَقَاءٌ الْبَقْلُ وَالْبُطِيخُ وَالْفَوَاكِهِ وَشَبْهُ ذَلِكَ مِمَّا يَكُونُ سَرِيعَ الْفَسَادِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۶) تصریح شده است.

۳. تبیین دیدگاه فقیهان درباره روایات دال بر توسعه

در این بخش سه دیدگاه عمومی درباره روایاتی که در ظاهر موارد زکات را محدود نمی‌کنند، بیان می‌شود.

۳-۱. طرح روایات

برخی فقیهان بر این باورند که اساساً میان دودسته از اخبار پیش گفته تعارضی وجود ندارد؛ زیرا روایات بیانگر توسعه، به دلیل اعراض اصحاب از آنها، «موهون» بوده

۱. برای نمونه، در حدیث صحیحی از امام باقر علیه السلام آمده است که در پاسخ به این سؤال: «أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الْخَضِرِ فِيهَا زَكَاةٌ وَإِنْ بَيْعَ بِالْمَالِ الْعَظِيمِ؟» فرمود: «لَا، حَتَّى يَحُولَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۹). همچنین یونس بن عبدالرحمن پرسش خود از امام کاظم علیه السلام را چنین نقل می‌کند: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام عَنِ الْأُشْتَانِ، فِيهِ زَكَاةٌ؟ فَقَالَ: لَا» (همان، ص ۵۱).

و مورد توجه قرار نمی گیرند. به عقیده این گروه، فراوانی این روایات نیز ارزش افزوده ای ایجاد نمی کند، چراکه قاعده «کُلَّمَا أَزْدَادَ الْخَبْرُ صَحَّةَ أَزْدَادَ عِنْدَ الْإِعْرَاضِ عَنْهُ ضَعْفًا» درباره آنها جاری است (آملی، ۱۳۸۴، ج ۹، ص ۳۳۲). از این معیار با عناوینی همچون «رفض العمل بروایته» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۷)، «عمل الاصحاب علیه» (مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۴۸۳؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۸، ص ۴۲۱) و «مخالفاً للمذهب المشهور» (خواجویی، ۱۴۱۸، ص ۹۹) یاد شده است.

برخی معتقدند که وهن اعتبار حدیث به واسطه اعراض فقها، قاعده ای است که هر چند به صورت صریح در قالب الفاظ خاص بیان نشده، ولی محتوای آن بارها در منابع فقهی ذکر گردیده است (انصاری، محمدعلی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۱۳). براساس این قاعده، حتی اگر حدیثی دارای اسناد صحیح بیشتری باشد، اما فقیهان از آن اعراض کرده باشند، این امر نشانه ای بر بی اعتباری آن است (آخوند خراسانی، ۱۴۱۱، ج ۳، ص ۵۲۵؛ صالحی مازندرانی، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۲۶۸). طرفداران بهره گیری از «شهرت عملی» به عنوان معیار نقد حدیث، اعراض اصحاب را یا نشان دهنده وجود نقص در روایت و مهم ترین دلیل بروثوق به عدم صدور آن دانسته اند (آملی، ۱۳۸۴، ج ۳، ص ۲۰۸) یا گزینه ای برای این که ظاهر روایت مراد شارع نبوده است (حسینی میلانی، ۱۴۳۵، ج ۶، ص ۳۹۶).

همچنین دیدگاهی وجود دارد که روایات دال بر عفو رسول خدا ﷺ از برخی موارد زکات را به دلیل کذب راویان در انتساب صفت مشرع بودن به آن حضرت، پذیرفتنی نمی داند (صادقی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۹).

بررسی و نقد

در مورد قاعده مذکور، حق این است که اعراض اصحاب تنها زمانی مفید است که در میان قدماء شکل گرفته باشد و همه فقیهان متقدم براساس آن روایات فتوا نداده باشند. اما در مواردی که شماری از فقیهان از روایت اعراض کرده اند و شماری دیگر براساس آن فتوا داده اند، نمی توان این قاعده را جاری دانست (خویی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۳۶). مراد از اعراض فقیهان، واگذاشتن روایت و عدم توجه آنان به آن در فرایند استنباط است (بدری، ۱۴۲۸، ص ۷۹) و منظور از متقدمان نیز فقیهانی است که نزدیک

به عصر صدور روایات می‌زیستند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۸، ص ۲۹)؛ مانند ابن جنید، ابن ابی عقیل، علی بن بابویه، صدوق، مفید، طوسی، سید مرتضی، حلبی، سلار دیلمی و ابن براج (صنقر، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۰۹). در مسئله مورد بحث نیز، هم یونس بن عبد الرحمن - که یکی از اصحاب اجماع است - روایات دال بر توسعه را پذیرفته^۱ و هم ابن جنید اسکافی بر اساس آن فتوا داده است.

گرچه نوشته ابن جنید اکنون در دسترس نیست،^۲ اما محقق حلی این نظر را از او نقل کرده (محقق حلی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۹۳) و علامه حلی نیز برخی مواردی را که ابن جنید مشمول زکات می‌دانسته، بر شمرده است (ن.ک: علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۹۵-۱۹۷).

همچنین ادعای طرح روایات به دلیل مخالفت متن آنها با عدم تشریع احکام توسط معصومان علیهم‌السلام پذیرفتنی نیست؛ زیرا بر اساس روایاتی، تشریع شماری از احکام به معصومان علیهم‌السلام واگذار شده است. چنان‌که ثقة الاسلام کلینی به سند معتبر از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است: «لَا وَاللَّهِ، مَا قَوَّضَ اللَّهُ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ إِلَّا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم وَإِلَى الْأَئِمَّةِ علیهم‌السلام، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ»، وَهِيَ جَارِيَةٌ فِي الْأَوْصِيَاءِ علیهم‌السلام» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۶۶۷).

و نیز از زراره از صادقین علیهم‌السلام چنین نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَوَّضَ إِلَى نَبِيِّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم أَمْرَ خَلْقِهِ؛ لِيَنْظُرَ كَيْفَ طَاعَتْهُمْ»، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۶۶۵).

مراد از تفویض در این روایات، تفویض امور دینی، یعنی حق تشریع و جعل حکم است

۱. بنا بر گزارش ثقة الاسلام کلینی، وی معنای عفو رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم را چنین تبیین کرده است: «إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي أَوَّلِ الْبُيُوتَةِ كَمَا كَانَتِ الصَّلَاةُ رُكْعَتَيْنِ، ثُمَّ زَادَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وسلم فِيهَا سَبْعَ رُكْعَاتٍ، وَكَذَلِكَ الزَّكَاةُ وَصَعَهَا وَسَمَّيَهَا فِي أَوَّلِ بُيُوتِهِ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، ثُمَّ وَصَعَهَا عَلَى جَمِيعِ الْحُبُوبِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۴). درباره این دیدگاه جناب یونس بن عبد الرحمن در بخش ۵-۲ توضیح خواهد آمد.

۲. محمد بن احمد بن جنید اسکافی از بزرگان قدمای امامیه و از اصحاب صاحب کتاب فتوا بوده و بیش از پنجاه تألیف داشته است (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۲۰۶). مشهورترین کتاب وی «الاحمدی فی فقه المحمدي» است. او استاد بزرگانی چون شیخ مفید، نجاشی و شیخ طوسی بوده و در سال ۳۸۱ ق درگذشته است (مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۱۱۶).

(سبحانی وعلیزاده نجار، ۱۳۹۴، ص ۲۷). این دیدگاه وجود دارد که یکی از حکمت‌های تفویض بسیاری از احکام به ائمه علیهم‌السلام آن است که پیروان ایشان از سایرین متمایز باشند (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۶۵). نیک هویداست که پاره‌ای از تشریعیات در هر دو عرصه احکام ثابت و احکام متغیر، به واسطه منصب ریاست و مدیریت معصومان علیهم‌السلام به آنان واگذار شده تا با در نظر گرفتن مصالح دائمی یا موقت، به جعل آنها بپردازند. از برخی روایات نیز چنین برمی آید که تشریع برخی از احکام، نخستین بار توسط ائمه علیهم‌السلام رخ داده است؛ مانند در نظر گرفتن هشتاد ضربه تازیانه برای شرب خمر.^۱ با این توضیحات، مفهوم «اصل مُشَرِّع بودن معصومان علیهم‌السلام» به اثبات می‌رسد.

۲-۳. حمل روایات بر استحباب

شمار قابل توجهی از فقیهان بر این باورند که روایات بیانگر توسعه موارد زکات، حکمی الزامی را بیان نمی‌کنند؛ بلکه تنها حکم مندوبی را اعلام کرده‌اند که عمل به آن مستحسن خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۴۴؛ نجفی، ۱۳۶۳، ج ۱۵، ص ۶۵؛ انصاری، ۱۴۱۵، ص ۱۲۹؛ مغنیه، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۸؛ اشتهاوردی، ۱۴۱۷، ج ۲۲، ص ۸۴؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۴، ج ۱، ص ۲۷۷-۲۷۸).

دلیل این مطلب، صراحت ادله بیانگر انحصار موارد زکات، در برابر لسان روایات گروه مقابل است (فیض کاشانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۳۲۴؛ حکیم، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۵۵). به بیان دیگر، روایات انحصار، در بیان حاکم، تأکید بیشتری نسبت به روایات توسعه موارد زکات دارند (اشتهاوردی، ۱۴۱۷، ج ۲۲، ص ۷۹-۸۰). برخی نیز عدم وضوح روایات دال بر توسعه بر وجوب را دلیل دست شستن از ظاهر آنها دانسته‌اند (محقق سبزواری، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۳۰). در این حالت، روایات ثبوت زکات در موارد نه‌گانه، بر ثبوت الزامی آن دلالت ندارد، بلکه مراد از ثبوت، مندوب بودن آن است. این روش، بهترین راهکار برای جمع میان این روایات و روایات آکد در وجوب، حمل روایات توسعه بر استحباب است.

۱. از امام صادق علیه‌السلام چنین نقل شده است: «قُلْتُ لَهُ كَيْفَ كَانَ جَلَدُ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: كَانَ يَضْرِبُ بِالْعِصَا وَيَزِيدُ كُلَّمَا أَتَى بِالسَّارِبِ، ثُمَّ لَمْ يَزَلِ النَّاسُ يَزِيدُونَ حَتَّى وَقَفَ عَلَى ثَمَانِينَ، أَشَارَ بِدَلِكِ عَلِيٍّ عليه‌السلام عَلَى عُمَرَ فَرَضِيَ بِهَا» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۴، ص ۱۱۷).

بررسی و نقد

باور به صراحت روایات بیانگر توسعه بر عدم وجوب، ناستوار به نظر می‌رسد؛ چرا که این ادله تنها بر ظهورات اولیه‌ای دلالت دارند که می‌توان با بهره از قرآنی، این ظهور ابتدایی ذهنی را قابل خدشه دانست. برای نمونه، اگر مراد از اخبار توسعه، استحباب باشد، وجهی برای مخالفت امام علیه السلام در غیر از موارد نه گانه باقی نمی‌ماند؛ در حالی که در شماری از روایات، عباراتی مانند «لَيْسَ فِي غَيْرِهَا شَيْءٌ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲) به کار رفته که نافی هرگونه حکم الزامی یا غیر الزامی در مواردی غیر از موارد نه گانه است.

همچنین، در روایت «الْبُرُّ وَالشَّعِيرُ وَالذُّرَّةُ وَالذُّخْنُ وَالْأَزْزُّ وَالسُّلْتُ وَالْعَدَسُ وَالْتِمْسِيْمُ كُلُّ هَذَا يُزَكَّى وَأَشْبَاهُهُ» از گندم و جو نام برده شده که به اتفاق فقیهان فریقین، زکات بر آنها واجب است. پذیرفتنی نخواهد بود که عبارتی که با سیاق واحد بیان شده، همزمان متضمن دو حکم وجوب و استحباب باشد. عباراتی مانند «كُلُّ هَذَا يُزَكَّى وَأَشْبَاهُهُ» در روایات بیانگر توسعه، گرچه جنبه خبری دارند، ولی در مقام پاسخ به پرسش بوده و به این جهت بیانگر انشای حکم خواهند بود. از این رو، از لحاظ بلاغی، این جملات خبری تأکید بیشتری در بیان حکم خواهند داشت و مانند قانونی فراگیر برگستره موضوعات اثر خواهند گذاشت.

از طرفی، عرف میان برخی از روایات دسته اول و دسته دوم، تعارض و تهافتی آشکار می‌بیند. برای نمونه، روایت «لَيْسَ فِيْمَا أَتَبَّتِ الْأَرْضُ شَيْءٌ إِلَّا فِي هَذِهِ الْأَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۶۳) بر عدم ثبوت زکات هیچ محصول زراعی جز غلات اربعه دلالت دارد، در حالی که روایت «فِي كُلِّ شَيْءٍ أَتَبَّتِ الْأَرْضُ إِلَّا الْخَضِرَ وَالْبُقُولَ وَكُلَّ شَيْءٍ يَفْسُدُ مِنْ يَوْمِهِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۵) بر ثبوت این موارد دلالت می‌کند. به بیان دیگر، لسان بسیاری از دو دسته روایات انحصار و توسعه، لسان نفی و اثبات است، نه امر به فعل و ترخیص ترک آن. شاهد این معنا آن است که اصحاب ائمه علیهم السلام از روایات توسعه، انحصار را برداشت نکرده‌اند؛ به همین جهت، باز هم از ائمه علیهم السلام پرسش می‌کردند. شایان ذکر است که به مجرد اختلاف میان اخبار، نمی‌توان دسته‌ای را بر حکم غیر الزامی و دسته دیگر را بر حکم الزامی

تحلیل انتقادی مواجهه فقیهان با روایات رهنمون بر توسعه موارد زکات / البرز محقق گرفمی ۱۰۲

حمل نمود، و حمل بر استحباب نیازمند دلیل یا قرینه‌ای موجه است (بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۱۴۹-۱۵۰؛ منتظری، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۵۹-۱۶۰). حتی بر فرض پذیرش اینکه این روایات تنها بیانگر اصل اولیه مشروعیت هستند، باز هم نمی‌توان پذیرفت که بر استحباب حمل شوند؛ زیرا دلیلی بر چنین حملی وجود ندارد و معارضه روایات دو دسته انحصار و توسعه را نمی‌توان دلیلی برای حمل بر استحباب یک دسته و حمل بر وجوب در دسته دیگر دانست.

۳-۳. حمل روایات بر تقیه

برخی از فقیهان بر این باورند که قرائن داخلی و خارجی، بر وجود تقیه در این روایات دلالت دارد. قرائن خارجی، همان فتاوای عامه است که شیخ طوسی از شافعی، مالک، ثوری، ابن ابی لیلی، ابویوسف و ابوحنیفه نقل کرده است که زکات به همه حیوانات تعلق می‌گیرد (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۴؛ علم‌الهدی، ۱۴۱۵، ص ۲۱۰؛ بحرانی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ص ۱۵۰ و ۱۵۳؛ شوشتری، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۱۵). در فقه حنفی نیز شرط وجوب زکات آن است که مال، زائد بر حاجت اصلی بوده یا مال التجاره نباشد و به میزان نصاب برسد (فقیری هروی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۳۷۳). عباراتی در متن روایات، مانند «كَذَّبُوا فَهَلْ يَكُونُ الْعَقُورُ إِلَّا عَنْ شَيْءٍ قَدْ كَانَ»، نشان می‌دهد که توسعه زکات از مجعولات عامه است (شیرازی، ۱۴۰۸، ج ۲۹، ص ۲۱۶؛ سبحانی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۴۸).

بررسی و نقد

نمی‌توان پذیرفت که موارد مشمول زکات نزد مشهور عامه قابل توسعه است؛ چراکه بسیاری از بزرگان اهل سنت مانند احمد بن حنبل، حسن بن صالح بن حی، ابن ابی لیلی و ابن سیرین معتقد به انحصار موارد زکات در موارد نه‌گانه بوده‌اند (ن.ک: ابن‌قدامة، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۵). حتی ابن حزم، کشمش را در شمار موارد زکات ندانسته و تنها پرداخت هشت مورد را واجب می‌داند (ابن حزم، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۰۹). در این صورت، حمل روایات توسعه بر تقیه به سبب موافقت با عامه، وجهی نخواهد داشت. در روایات فراوانی از طریق عامه نیز بر انحصار موارد زکات غلات تصریح شده است. بنگرید:

بنا بر مبانی رجالی اهل سنت، در حدیث صحیحی از موسی بن طلحه چنین نقل شده است: «عندنا کتاب معاذ بن جبل عن النبي ﷺ أنه إنما أخذ الصدقة من الحنطة والشعير والزبيب والتمر» (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۵۵۸). کاربست واژه «إنما» در این حدیث، به روشنی بیانگر انحصار است.

در حدیث دیگری آمده است: «عن أبي بردة عن أبي موسى ومعاذ أن رسول الله ﷺ بعثهما إلى اليمن يعلمان الناس أمر دينهم، فأمرهم أن لا يأخذوا الصدقة إلا من هذه الأربعة: الحنطة والشعير والتمر والزبيب» (دارقطنی، ۱۹۶۶، ج ۲، ص ۹۹).

همچنین، نمی‌توان عبارت روایی «كَذَبُوا فَهَلْ يَكُونُ الْعَفْوُ إِلَّا عَنْ شَيْءٍ قَدْ كَانَ» را بیانگر تقیه دانست؛ زیرا این عبارت، نشان دهنده مخالفت امام ﷺ با نظریه عامه است و لسان ادله بیانگر تقیه با عباراتی مانند «كَذَبُوا» و ایجاد حالت خشم در امام ﷺ پس از شنیدن نظریه عامه، ناسازگار می‌نماید.

افزون بر این، استناد به اینکه امام صادق ﷺ وجود مواردی چون ذرت و کنجد را در عصر نبوی به اثبات رسانده، برای اثبات تقیه‌ای بودن حکم در روایات توسعه کافی نیست؛ زیرا توضیح امام ﷺ در برابر کسانی است که منکر وجود چنین مواردی در عصر نبوی بودند. اما با اعتقاد به اینکه رسول خدا ﷺ با در نظر داشتن وجود این موارد از آن‌ها عفو کرده‌اند، جایی برای باور به تقیه باقی نمی‌ماند.

از دیگر سو، تقیه بر حسب ضرورت رخ می‌نماید و بنا بر قاعده «الضرورات تنقذ بقدرها»، شایسته است سخنان تقیه‌ای به نحو مختصر یا متناسب با موضوع پرسش بیان شود. بر اساس این قاعده، بیان حکم ثانوی یا اضطراری تنها باید مطابق با ضرورت باشد (مصطفوی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۲؛ تسخیری، ۱۴۳۱، ج ۲، ص ۱۰۱) و نباید بیش از آن، موارد شمول حکم را توسعه داد. به بیان دیگر، اگر پرسشگری از موردی خاص سؤال کند و امام ﷺ ناگزیر از بیان حکم بر اساس تقیه باشد، کافی است تنها حکم همان مورد خاص بیان شود، نه اینکه حکم موارد دیگری که در موضوع پرسش قرار ندارد نیز ذکر گردد.

با این حال، در شماری از روایات، امام ﷺ بیش از موضوع سؤال به بیان حکم پرداخته‌اند. برای نمونه، زاره تنها از حکم ذرت پرسش می‌نماید، اما امام صادق ﷺ

تحلیل انتقادی مواجهه فقیهان با روایات رهنمون بر توسعه موارد زکات / البرز محقق گرمی ۱۰۴

چنین پاسخ می دهند: «الذُّرَّةُ وَالْعَدَسُ وَالسُّلْتُ وَالْحُبُّوبُ فِيهَا مِثْلُ مَا فِي الْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَكُلُّ مَا كَيْلٌ بِالصَّاعِ فَبَلَغَ الْأَوْسَاقُ الَّتِي تَحِبُّ فِيهَا الزَّكَاةُ فَعَلَيْهِ فِيهِ الزَّكَاةُ».

در روایت دیگری، محمد بن اسماعیل بن یزید از امام کاظم علیه السلام تنها درباره زکات برنج پرسش می کند، ولی امام علیه السلام با توسعه موضوع، پاسخی کلی به این شکل بیان می فرماید: «مَا سِئِيَ بِالذُّلُوِّ فَنَصُفُّ الْعُشْرَ مِنْ كُلِّ مَا كِلْتُ بِالصَّاعِ...»^۱. این عبارات را نه تنها نمی توان بر تقیه حمل نمود، بلکه شایسته است آن ها را بیانگر قاعده ای عمومی برای پرداخت زکات دانست.

همچنین، در روایت دیگری که پرسش حریر از امام صادق علیه السلام درباره زکات برنج را دربردارد، امام علیه السلام نه تنها به بیان حکم کلی آن اکتفا نکرده اند، بلکه تعلیلی نیز برای عدم وجوب زکات در عصر نبوی و لزوم آن در عصر صدور روایت بیان فرموده اند.^۲ این توضیحات نیز با قاعده عمومی اختصار در بیان حکم به سبب مراعات تقیه، ناسازگار است.

۴. دیدگاه برگزیده

بر اساس آنچه گفته شد، هریک از راهکارهای مواجهه با طوائف روایات موضوع، با کاستی هایی روبه رو بوده اند. این راهکارها بر مرجحات باب تعارض در حوزه سند، جهت صدور یا متن تکیه داشتند. در این بخش، کوشش می شود روشی نوین در مواجهه با روایات ارائه گردد تا بتوان از مجموع آن ها، حکمی مناسب استنباط کرد.

۴-۱. شاهد جمع میان روایات

یکی از روش هایی که برای زدودن تعارض ظاهری میان روایات می توان بهره برد، استفاده از روشی است که در آن، روایت یا روایاتی در قیاس فهم و تبیین حکم دو دسته روایت دیگر مورد استناد قرار می گیرند. در دانش اصول فقه، روایت یا روایاتی که چنین نقشی ایفا می کنند «شاهد جمع» نامیده می شوند (لجنة تألیف قواعد الفقهیه و

۱. بنگرید: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ هَلْ فِي الْأَرْزَنِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَعَمْ. ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْمَدِينَةَ لَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ أَرْزٍ فَيُقَالُ فِيهِ وَلَكِنَّهُ قَدْ جُعِلَ فِيهِ وَكَتِفٌ لَا يَكُونُ فِيهِ وَعَامَّةُ خَرَجِ الْعَرَاكِ مِنْهُ» (طوسی، ج ۴، ص ۶۵).

الاصولیه، ۱۴۲۷، ص ۴۷۰). در این روش، دلیلی لفظی یا عقلی در مقام تفسیرکننده روایات به ظاهر معارض قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که با بهره‌گیری از آن می‌توان جمعی مقبول میان روایات ارائه داد.

۴-۱-۱. روایت اول: عفو زکات خرما و قرار دادن زکات برای برنج

ثقه الاسلام کلینی در روایت مؤتقی، پرسش اسماعیل بن بزیع از امام کاظم علیه السلام و پاسخ ایشان را چنین گزارش می‌کند: «إِنَّ لَنَا رَطْبَةً وَأَرْزًا فَمَا الَّذِي عَلَيْنَا فِيهَا؟ فَقَالَ عليه السلام أَمَّا الرُّطْبَةُ فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ وَأَمَّا الْأَرْزُ فَمَا سَقَتِ السَّمَاءُ بِالْعُشْرِ وَمَا سَقَى بِالذَّلْوِ فَنِصْفُ الْعُشْرِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۷). اسماعیل بن بزیع در این روایت، درباره حکم زکات خرما و برنج از امام کاظم علیه السلام پرسش می‌کند. امام علیه السلام خرما را از زکات معاف می‌شمارد و زکات برنج آبیاری شده با آب باران را یک دهم و زکات برنجی را که به صورت دستی آبیاری شده، یک بیستم تعیین می‌کند. فقیهان در مواجهه با این روایت، تنها به بخش دوم آن توجه کرده و مشهور، حکم آن را بر استحباب پرداخت زکات برای برنج حمل کرده‌اند. به حسب بررسی نگارنده، برای اثبات وجوب زکات برنج به طور مستقیم از این روایت استفاده نشده است؛ اما سخن اصلی در اینجا مربوط به بخش اول پاسخ امام علیه السلام است.

بر اساس فراز «أَمَّا الرُّطْبَةُ فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ»، امام علیه السلام زکات خرما را برای پرسشگر معاف دانسته است؛ حال آنکه بر اساس روایات بیانگر انحصار، خرما یکی از مواردی است که زکات بر آن تعلق می‌گیرد. از سوی دیگر، نمی‌توان این روایت را بر تقیه حمل کرد؛ زیرا حتی اگر بپذیریم که نظر همه اهل سنت بر توسعه موارد زکات است، باز نمی‌توان پذیرفت که امام علیه السلام حکم زکات برنج را مطابق نظر عامه بیان کرده و هم‌زمان حکم زکات خرما را - که با نظر اهل سنت و شیعه مخالف است - ابراز کرده باشند. همچنین نمی‌توان روایت را بر استحباب حمل نمود، زیرا زکات خرما، به اتفاق تمامی قائلان به انحصار، واجب است و امام علیه السلام در این روایت، آن را فاقد زکات معرفی کرده‌اند.

همین امر نشان می‌دهد که امام علیه السلام می‌تواند موارد زکات را بنا بر صلاح‌دید خویش، کاهش یا افزایش دهد.

۴-۱-۲. روایت دوم: عفو زکات برنج مدینه و ثبوت زکات برنج عراق

شیخ طوسی به اسناد صحیح خویش روایتی را نقل می‌کند که بیانگر پرسش حریر بن عبدالله از امام صادق علیه السلام و پاسخ حضرت است: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام هَلْ فِي الْأَرْضِ شَيْءٌ؟ فَقَالَ عليه السلام نَعَمْ. ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْمَدِينَةَ لَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ أَرْضٍ فَيُقَالُ فِيهِ وَلَكِنَّهُ قَدْ جُعِلَ فِيهِ وَكَيْفَ لَا يَكُونُ فِيهِ وَعَامَّةُ خَرَاجِ الْعِرَاقِ مِنْهُ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۵). براساس این روایت، حکم زکات برنج مورد پرسش قرار گرفت. امام علیه السلام در پاسخ، به نکته‌ای راهبردی اشاره کرده‌اند که نشان‌دهنده توجه به شرایط مکانی و منطقه‌ای محل تولید محصولات کشاورزی است. امام صادق علیه السلام زکات برنج را در منطقه مدینه - که در آن زمان زمین برنج کاری وجود نداشت - منتفی دانسته، اما همین محصول را در عراق مشمول زکات معرفی کرده‌اند. این بیان نشان می‌دهد که توجه به عرف و واقعیت‌های جغرافیایی و اقتصادی می‌تواند مبنایی برای تغییر احکام، متناسب با تغییر موضوعات و اهداف تشریع، قرارگیرد.

۴-۱-۳. روایت سوم: وابسته بودن زکات به نظر معصوم علیه السلام در هر زمان و مکان

شیخ طوسی به اسناد خویش، در حدیث صحیحی از زراره چنین نقل می‌کند: «كُنْتُ قَاعِدًا عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام وَلَمْ يَسْأَلْنِي عَنْهُ غَيْرُائِنِهِ جَعْفَرٍ، فَقَالَ: يَا زُرَّارَةُ، إِنَّ أَبَا ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعُثْمَانَ تَنَازَعَا عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، فَقَالَ عُثْمَانُ: كُلُّ مَالٍ مِنْ ذَهَبٍ أَوْ فِضَّةٍ يَدَارِبُهُ وَيُعْمَلُ بِهِ وَيُتَجَرَّبُ بِهِ فَفِيهِ الزَّكَاةُ إِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ. فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: أَمَّا مَا اتَّجَرَبُ بِهِ أَوْ دِيرَ وَعُمِلَ بِهِ فَلَيْسَ فِيهِ زَكَاةٌ، إِنَّمَا الزَّكَاةُ فِيهِ إِذَا كَانَ رِكَاظًا أَوْ كَنْزًا مَوْضُوعًا، فَإِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَفِيهِ الزَّكَاةُ. فَاخْتَصَمَا فِي ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، قَالَ: فَقَالَ صلى الله عليه وآله الْقَوْلُ مَا قَالَ أَبُو ذَرٍّ. فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِأَبِيهِ: مَا تُرِيدُ إِلَى أَنْ تُخْرَجَ مِثْلَ هَذَا فَيَكُفَّ النَّاسُ أَنْ يُعْطُوا فَقَرَاءَهُمْ وَمَسَاكِينَهُمْ؟ فَقَالَ أَبُوهُ عليه السلام: إِلَيْكَ عَنِّي، لَا أَجِدُ مِنْهَا بَدًّا» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۷۰).

برخی براین باورند که براساس فراز پایانی این روایت، امام معصوم و نواب او می‌توانند برحسب مقتضیات زمان و مصالح، برای هر چیزی زکات قرار دهند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲، ج ۱، ص ۲۹۴). گرچه پرداخت زکات در شمار اعمال عبادی

اسلام است، اما سامان‌دهی امور مربوط به دریافت آن و رساندن به مستحقان، نیازمند نظام سازمان‌یافته و تشکیلاتی است. حتی می‌توان گفت که توجه به شرایط صاحبان اموال و شیوه وصول و توزیع صحیح عایدات زکویه، از شئون است که تحقق آن وابسته به کارآمدی و نظام‌مند بودن دستگاه جمع‌آوری و توزیع زکات است.

۴-۱-۴. روایات بیانگر عفو رسول خدا ﷺ

بیشتر روایات بیانگر انحصار زکات در نه مورد، جملاتی دارند که دلالت بر عفو رسول خدا ﷺ از سایر موارد می‌کند. برخی از این عبارات بدین شرح است: «عَفَا رَسُولُ اللَّهِ عَمَّا سِوَاهُنَّ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۳)؛ «عَفَا رَسُولُ اللَّهِ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۶) و «وَعَفَا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۹).

مجموع این روایات، که حاوی عباراتی مشابه‌اند، به سیزده مورد می‌رسد (ن.ک: حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۵۳؛ ۵۵؛ ۵۷-۵۹ و ۶۰). از این مجموعه روایات به روشنی می‌توان دریافت که موارد زکات به دست رسول خدا ﷺ سپرده شده و آن حضرت از برخی موارد عفو کرده و برای برخی دیگر، ثبوت زکات را بیان فرموده‌اند.

۴-۲. برآیند مفاد روایات شاهد جمع

بر اساس روایت نخست، امام کاظم ﷺ زکات خرما را عفو کرده و برای برنج، زکات قرار دادند. طبق روایت دوم، امام صادق ﷺ زکات برنج را برای اهل عراق تشریع نموده و برنج‌کاران مدینه را از آن معاف دانسته‌اند. همچنین بر اساس روایت سوم، پرداخت عایدات زکوی محصولات مختلف به امام ﷺ جایز شمرده شده است. از این روایات برمی‌آید که موارد وجوب زکات، بنا بر شرایط زمانی و مکانی یا به صلاح‌دید معصومان ﷺ و جانشینان صالح ایشان - که وظیفه مدیریت و راهبری جامعه را بر عهده دارند - قابلیت تغییر دارد.

مجموع روایات بیانگر عفو رسول خدا ﷺ نیز به روشنی دلالت دارند که اصل حکم زکات در همه اموال در نظر گرفته شده، اما رسول خدا ﷺ تنها بر بخشی از آن‌ها زکات قرار داده و از برخی موارد عفو فرموده است. به بیان دیگر، انحصار زکات در نه مورد، از

تحلیل انتقادی مواجهه فقیهان با روایات رهنمون بر توسعه موارد زکات / البرز محقق گریفی ۱۰۸

سنت های نبوی بوده، نه فریضه ای که موارد آن مستقیماً از سوی خداوند تعیین شده باشد (قائنی، ۱۳۸۵، ص ۲۹؛ قربانی، ۱۳۹۱، ص ۱۷).

ثقه الاسلام کلینی، دیدگاه یونس بن عبدالرحمن را درباره شرح احادیث مربوط به عفو رسول خدا ﷺ از زکات سایر اموال چنین نقل می کند: «قَالَ يُونُسُ: مَعْنَى قَوْلِهِ: "إِنَّ الزَّكَاةَ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، وَعَقَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ" إِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي أَوَّلِ النَّبُوءَةِ، كَمَا كَانَتْ الصَّلَاةُ رُكْعَتَيْنِ، ثُمَّ زَادَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِيهَا سَبْعَ رُكْعَاتٍ، وَكَذَلِكَ الزَّكَاةُ، وَضَعَهَا وَسَّطَهَا فِي أَوَّلِ نُبُوتِهِ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، ثُمَّ وَضَعَهَا عَلَى جَمِيعِ الْحُبُوبِ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۴).

برخی برای این باورند که این مورد از شذوذات یونس بوده و قابل اعتنا نیست (علم الهدی، ۱۴۱۵، ص ۲۱۰)؛ اما این دیدگاه به راحتی قابل پذیرش نیست، چرا که در روایات فراوانی، امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام مقام علمی و نقش آفرینی او را در انتقال معارف ستوده و با تجلیل از وی، بهشت را بر او تضمین نموده اند (ن.ک: کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۷۷۹-۷۸۵). همچنین بر اساس روایتی، امام کاظم علیه السلام دیدگاه یونس را درباره زکات تأیید فرموده اند.^۱ امام رضا علیه السلام نیز شیعیان را به اخذ معالم دین از یونس هدایت فرموده اند (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۸۴).

بر این اساس، می توان دریافت که رسول خدا ﷺ از جنبه رسالی و تبیین احکام الهی، اصل تشریع زکات را بیان نموده و از جنبه حکومت بر مسلمانان، زکات را در عصر خویش به نه مورد منحصر کرده اند. بنابراین، در هر عصری حاکم اسلامی می تواند با توجه به منابع ثروت شهروندان و نیازمندی مستحقان دریافت زکات، مواردی را برای پرداخت زکات تعیین نماید.

شاید به نظر برسد که عفو رسول خدا ﷺ به دلیل عدم وجود محصولات دیگر در

۱. «وَحَدَّثَنَا جَبْرِيلُ بْنُ أَحْمَدَ فِي كِتَابِهِ، حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ الْأَدْمِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الزَّبَّاعِ الْأَفْهَرِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْبُضْرِيِّ، عَنْ عُثْمَانَ بْنِ رُسَيْدٍ الْبُضْرِيِّ، قَالَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَفْهَرِ: ثُمَّ لَقِيتُ مُحَمَّدَ بْنَ الْحُسَيْنِ فَحَدَّثَنِي بِهَذَا الْحَدِيثِ، قَالَ: كُنَّا فِي مَجْلِسِ عِيسَى بْنِ سُلَيْمَانَ بِنِعْدَادَ، فَجَاءَ رَجُلٌ إِلَى عِيسَى، فَقَالَ: أَرَدْتُ أَنْ أَكْتُبَ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَسْأَلَةٍ أَشْأَلُهُ عَنْهَا: جَعَلْتَ فِدَاكَ عِنْدَنَا قَوْمٌ يَقُولُونَ بِقَوْلِهِ يُونُسُ فَأَعْطَاهُمْ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئاً، قَالَ، فَكُتِبَ إِلَيَّ: نَعَمْ أُعْطَاهُمْ فَإِنَّ يُونُسَ أَوَّلَ مَنْ يُجِيبُ عَلَيْنَا إِذَا دُعِيَ» (کشی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۸۰۴).

عصر نبوی بوده است، اما این دیدگاه استوار نمی‌نماید؛ زیرا بنا بر حکم عقل و روایاتی مانند «فَهَلْ يَكُونُ الْعَفْوُ إِلَّا عَنْ شَيْءٍ قَدْ كَانَ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۲۲)، عفو رسول خدا ﷺ تنها در مواردی معنا دارد که سبب کاستن مقداری از حجم تکلیف گردد. بنابراین، عدم وجوب زکات بر مواردی مانند برنج به سبب عدم وجود آنها در عصر نبوی نبوده است (اشتهاردی، ۱۴۱۷، ج ۲۲، ص ۸۰).

بنا بر گزارش‌های تاریخی، مهم‌ترین محصول زراعی مدینه، خرما بود. پس از آن، حبوباتی مانند گندم و جو عموماً در فاصله میان نخل‌ها کشت می‌شدند و پس از ورود مهاجران به مدینه، گندم در صدر محصولات زراعی قرار گرفت. در میان میوه‌ها و سبزیجاتی که کشت می‌شدند نیز، انواع مختلف انگور فراوان‌تر و مهم‌تر از دیگر محصولات بودند. محصولات چونی برنج، که نیازمند آب فراوان بودند و آب‌های زیرزمینی برای سیراب کردن آن‌ها کفایت نمی‌کرد، در مدینه و مکه به ندرت کاشته می‌شدند، اما در عراق، به سبب بهره‌مندی از آب‌های سطحی و زیرزمینی، کاشت برنج متداول بود (ن. ک: کتانی فاسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۸).

عمده ثروت مردمان در عصر نبوی در همان نه مورد بود، ولی در زمان ائمه علیهم‌السلام، منابع مالی افزایش یافته بود (منتظری، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۶۷؛ حیدری، ۱۴۳۲، ص ۷۳). این برداشت را می‌توان به روایت صحیحۀ حریر از امام صادق علیه‌السلام مستند دانست که در آن چنین آمده است: «إِنَّ الْمَدِينَةَ لَمْ تَكُنْ يَوْمَئِذٍ أَرْضَ أَرْزُقُ فَيَقَالَ فِيهِ...» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۶۵). به نظر می‌رسد که این روایت بیانگر وجه غالب محصولات کشاورزی در مدینه است و نمی‌توان به طور کلی وجود محصولات چونی برنج را در مدینه منکر شد؛ چرا که عفو کردن رسول خدا ﷺ از چیزی که وجود ندارد، بی‌معنا خواهد بود. به دیگر سخن، میزان این محصول و ثروت حاصل از آن، به قدری ناچیز بود که رسول خدا ﷺ زکات آن را برای مردمان مدینه عفو فرموده بودند. بر اساس روایت مرسل «كَانَ وَاللَّهِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ السَّمَّاسُ وَالذَّرَّةُ وَالِدُخْنُ وَجَمِيعُ ذَلِكَ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ص ۱۵۴) نیز امام صادق علیه‌السلام وجود محصولاتی به جز غلات اربعه را در عصر نبوی تأیید کرده‌اند.

این دیدگاه منطقی می‌نماید که زکات در موارد غیرقابل توجه ثروت در عصر نبوی،

نشان می‌دهد که موارد زکات باید بر اساس قابل توجه بودن تولید ثروت از آن‌ها به نحو عمومی در نظر گرفته شود (ن.ک: قائمی، ۱۳۸۵، ص ۷۹). به بیان دیگر، روایات بیانگر انحصار، دلالت بر حصر نسبی دارند نه حصر مطلق؛ بدین معنا که با توجه به عفو نبوی، نمی‌توان از آن‌ها حصر موارد زکات در همه زمان‌ها را نتیجه گرفت.

مجموع روایاتی که به عنوان شاهد جمع مورد استناد قرار گرفته‌اند، همگی بر تغییرپذیری حکم موارد زکات بر حسب شرایط زمانی، مکانی یا مصالح اجتماعی استوار است. تشخیص این موارد نیز بر عهده معصومان علیهم‌السلام یا جانشینان صالح آنان در عصر غیبت خواهد بود.

۳-۴. تحلیل روایات دال بر انحصار

ظاهر فقراتی از روایات مانند «فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام: "أَقُولُ لَكَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وَضَعَ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ، وَعَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ، وَتَقُولُ: عِنْدَنَا أَرْزُ، وَعِنْدَنَا ذُرَّةٌ، وَقَدْ كَانَتِ الذَّرَّةُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فَوَقَّعَ علیه‌السلام: "ذَلِكَ هُوَ، وَالزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كَيْلَ بِالصَّاعِ"» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۶) متناقض به نظر می‌رسند؛ بدین بیان که امام صادق علیه‌السلام با استناد به عمل رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مواردی مانند برنج و ذرت را مشمول زکات نمی‌دانند، در حالی که در فقره پایانی روایت، زکات را بر هر چیز وزن پذیر با صاع ثابت می‌دانند.

به نظر می‌رسد به سبب در اختیار بودن عایدات زکوی در خزانه دولت‌های نامشروع عصر صدور، امام علیه‌السلام با استناد به سیره نبوی از تعلق زکات به مواردی بیش از موارد نه گانه مشهور جلوگیری می‌کردند تا منابع مالی بیشتری در اختیار حکومت‌های وقت قرار نگیرد، در حالی که حکم مسئله را با بیان عبارت «الزَّكَاةُ عَلَى كُلِّ مَا كَيْلَ بِالصَّاعِ» بیان نموده‌اند. به دیگر سخن، حاکمان وقت به جهت کسب درآمدهای زکوی بیشتر، مایل به توسعه موارد زکات بودند، اما صادقین علیهم‌السلام برای جلوگیری از افزایش قدرت مالی آنان، انحصار موارد زکات در نه مورد را به سنت نبوی مستند می‌ساختند تا از این طریق، از قرار گرفتن عایدات زکوی شیعیان در اختیار حکومت‌های جور جلوگیری کنند. یکی از ثمرات این راهکار، حفظ اموال شیعیان بوده است.

با این بیان، این روایات را می‌توان گونه‌ای از «تقیه مالی» برشمرد. از این رو، صادقین علیهم‌السلام و امام کاظم علیه‌السلام در روایاتی به روشنی بر ثبوت زکات در حبوبات و... تصریح کرده‌اند. این روایات بیانگر حکم واقعی مسئله هستند، اما بیشینه روایاتی که بیانگر حصرند، به عفو رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مستند شده‌اند تا حکم پرداخت زکات به حاکمان جور، با دلیلی مستند به سیره نبوی، سبب اسکات مخالفان گردد. به دیگر سخن، روایات بیانگر انحصار، وظیفه شیعیان عصر قدرتمندی حاکمان جور را بر اساس شرایط سیاسی زمانه بیان کرده‌اند، نه این که بیانگر حکم واقعی مسئله به نحو عام ازمانی باشند.

نتیجه‌گیری

- بر اساس آنچه گفته شد، دستاوردهای نوشتار حاضر عبارت‌اند از:
 ۱. راهکارهای مشهور برای زدودن تعارض میان روایات بیانگر انحصار موارد زکات و راهکارهای توسعه این موارد، با چالش‌های مربوط به قواعد استظهار مواجه است.
 ۲. باور به غیرالزامی بودن حکم مندرج در روایات بیانگر توسعه، با برداشت عرف از ظاهر این روایات مخالف است؛ چراکه نحوه تقابل میان شماری از دودسته روایات، از قبیل تقابل «عدم و ملکه» است که وجوب و حرمت را به اثبات می‌رساند، نه وجوب و استحباب را.
 ۳. حمل روایات بیانگر عدم انحصار بر «تقیه» ناپایدار می‌نماید؛ زیرا اهل سنت در مورد موارد زکات هم‌داستان نیستند و تعداد قابل توجهی از آنان، موارد زکات را منحصر در نه مورد می‌دانند. همچنین، حمل بر تقیه با لسان برخی از این روایات ناسازگار بوده و سبب خدشه در قاعده «الضرورات تُقَدَّرُ بقدرها» می‌گردد.
 ۴. در متن برخی روایات، به مواردی اشاره شده که می‌توان آن‌ها را در قامت «شاهد جمع» برای فهم روایات به ظاهر متعارض به کار برد. این موارد عبارت‌اند از: عفو رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ثبوت زکات برای برنج، عفو زکات خرما، و وابسته بودن زکات محصولی واحد به شرایط جغرافیایی. بر این اساس، می‌توان فهمید که موارد زکات، بنا بر دیدگاه هر معصومی در دوره خویش بیان شده است.
 ۵. بر اساس دیدگاه برگزیده، نیازی به طرح روایات یا حمل آن‌ها بر مواردی مانند

تحلیل انتقادی مواجهه فقیهان با روایات رهنمون بر توسعه موارد زکات / البرز محقق گرمفی ۱۱۲

استحباب یا تقیه نخواهد بود؛ بلکه تمامی روایات مطرح شده، در بستر زمانی و مکانی خویش دارای حجیت بوده و عمل به آن‌ها سبب معذرت مکلفان خواهد بود.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ادریس، محمد بن احمد. (۱۳۸۷ش). موسوعه ابن ادریس الحلی. قم: دلیل ما.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲ش). الخصال. قم: اسلامی.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق). معانی الأخبار. قم: اسلامی.
۵. ابن حزم، علی بن احمد. (بی تا). المحلی. بیروت: دارالفکر.
۶. ابن درید، محمد بن حسن. (۱۹۸۸م). جمهرة اللغة. بیروت: دارالعلم للملایین.
۷. ابن زهره، حمزه بن علی. (۱۴۱۷ق). غنیة النزوع إلى علمی الأصول والفروع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۸. ابن قدامه، عبدالله بن احمد. (بی تا). المغنی ویلیه الشرح الكبير. بیروت: دارالکتب العربی.
۹. اشتهاودی، علی پناه. (۱۴۱۷ق). مدارک العروة. قم: اسوه.
۱۰. انصاری، محمد علی. (۱۴۱۵ق). الموسوعة الفقهية الميسرة. قم: مجمع الفکر الإسلامي.
۱۱. ایروانی، جواد. (۱۳۹۴ش). زکات باطنی. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاپ سوم.
۱۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۱۱ق). کفایة الأصول (با حواشی مشکینی). قم: لقمان.
۱۳. آملی، محمد تقی. (۱۳۸۴ق). مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی. بی جا: بی نا.
۱۴. بحر العلوم، سید محمد مهدی. (۱۳۶۳ش). رجال السید بحر العلوم. تهران: مکتبه الصادق علیه السلام.
۱۵. بحرانی، یوسف. (۱۳۶۳ش). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: اسلامی.
۱۶. تسخیری، محمد علی. (۱۴۳۱ق). القواعد الأصولية والفقهية. تهران: مجمع جهانی اهل بیت علیه السلام.
۱۷. جعفری، محمد تقی. (۱۴۰۰ق). «عدم انحصار زکات در موارد نه گانه». مجموعه آثار علامه جعفری. ج ۵: حقوق جهانی بشر و کوش های فقهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ص ۵۱۲-۵۳۶.
۱۸. جمعی از پژوهشگران، (۱۳۷۶ش). «مسائل مستحدثه زکات در گفتگو با آیات مکرم سید محمد حسن مرتضوی لنگرودی». شیخ محمد آصفی و محمد هادی معرفت، فقه اهل بیت علیه السلام، ش ۱۰، ص ۳-۲۵، تابستان.
۱۹. جناتی، محمد ابراهیم. (۱۳۸۵ش). فقه و زمان. قم: مؤسسه احیاء گران اندیشه دینی.
۲۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (۱۴۱۱ق). المستدرک علی الصحیحین. بیروت: دارالکتب العلمیة.
۲۱. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۲. حسینی میلانی، سید علی. (۱۴۳۵ق). تحقیق الأصول علی ضوء أبحاث شیخنا الفقیه المحقق و الأصولی المدقق آية الله العظمی الوحيد الخراسانی. قم: الحقائق.

۲۳. حکیم، سید محسن. (۱۳۷۴). مستمسک العروة الوثقی. قم: دارالتفسیر.
۲۴. حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۷۴). مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: اسلامی.
۲۵. حمیری، عبدالله بن جعفر. (۱۴۱۳ق). قرب الإسناد. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۲۶. حیدری، سید کمال. (۱۴۳۲ق). رسائل فقهیه. بیروت: مؤسسه الهادی للطباعة والنشر.
۲۷. خواجه‌نوی، اسماعیل. (۱۴۱۸ق). جامع الشتات (خواجوهی). بی‌جا: بی‌نا.
۲۸. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). رساله توضیح المسائل. قم: مؤسسه احیاء الآثار امام الخویی.
۲۹. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). مصباح الأصول. تقریرات محمد سرور واعظ بهسودی: قم، مؤسسه احیاء آثار الإمام الخویی.
۳۰. دارقطنی، علی بن عمر. (۱۹۶۶م). سنن الدارقطنی. قاهره: دارالمحاسن.
۳۱. سبحانی، جعفر. (۱۴۳۲ق). الزکاة فی الشریعة الإسلامیة الغراء. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۳۲. سبحانی، محمد تقی ومرتضی علیزاده نجار. (۱۳۹۴). «امام: مصدر تشریع»، پژوهش‌های کلامی، شماره یازدهم، ص ۲۱-۳۶.
۳۳. سلار دلمی، حمزه بن عبدالعزیز. (۱۴۰۴ق). المراسم فی الفقه الإسلامی. قم: منشورات الحرمین.
۳۴. سمرقندی، نصر بن محمد. بحر العلوم. دارالفکر: ۱۴۱۶ق.
۳۵. شریف رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۶ق). نهج البلاغه. قم: هجرت.
۳۶. شوشتری، محمد تقی. (۱۳۶۴). النجعة فی شرح اللمعة. تهران: مکتبه الصدوق.
۳۷. شیخ مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۰ق). المقنعة. قم: اسلامی.
۳۸. شیرازی، سید محمد. (۱۴۰۸ق). الفقه (الزکاة). بیروت: دوم، دارالعلوم.
۳۹. صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۷۸). رساله توضیح المسائل نوین. تهران: امید فردا.
۴۰. صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۲ق). تبصرة الفقهاء علی تبصرة التعلیمین. تهران: فرهنگ اسلامی.
۴۱. صالحی مازندرانی، اسماعیل. (۱۴۲۴ق). مفتاح الأصول. قم: صالحان.
۴۲. صنفور، محمد. (۱۴۲۸ق). المعجم الأصولی. قم: دوم، منشورات الطیار.
۴۳. طباطبایی کربلایی، سید علی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل. مشهد: آل البيت علیه السلام.
۴۴. طریحی، فخرالدین بن محمد. (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: چاپ سوم، مرتضوی.
۴۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). النهایة فی مجرد الفقه والفتاوی. بیروت: دارالکتاب العربی.
۴۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. قم: اسلامی.
۴۷. علم الهدی، سید علی بن حسین. (۱۴۱۵ق). الانتصار. قم: اسلامی.
۴۸. فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۳۲ق). فقه الشریعة. بیروت: دارالملاک.
۴۹. فقیری هروی، عبدالواحد. (۱۳۹۴). توضیح المسائل فقه حنفی. تربت جام: چاپ دوم، شیخ الاسلام احمد جام.
۵۰. فتوی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی.
۵۱. قائنی، محمد. (۱۳۸۵ش). زکات پول‌های رایج و اشیاء نوید. ترجمه محمد قناد معتمدی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام.
۵۲. قربانی، زین العابدین. (۱۳۹۱ش). زکات: آزمایش الهی. رشت: بلور.

تحليل انتقادی مواجهه فقیهان با روایات رهنمون بر توسعهٔ موارد زکات / البرز محقق گرمفی ۱۱۴

۵۳. کتانی فاسی، محمد بن عبد الکبیر. (بی تا). نظام الحکومه النبویه المسمی الترتیب الاداریه. بیروت: دار الأرقم.

۵۴. کشی، محمد بن عمر. (۱۴۰۴ق). رجال کشی. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.

۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دار الحدیث.

۵۶. گلپایگانی، سید محمدرضا. (بی تا). هدایه العباد. قم: دار القرآن الکریم.

۵۷. لجنة تألیف القواعد الفقهية والأصولية التابعة لمجمع فقه اهل بیت علیهم السلام. قواعد أصول الفقه علی مذهب الإمامیه. قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام: ۱۴۲۷ق.

۵۸. مامقانی، عبدالله. (۱۴۳۱ق). تنقیح المقال. قم: آل البيت علیهم السلام.

۵۹. مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۶ق). روضه المتقین. تهران: کوشانپور.

۶۰. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۳۶۶ش). المعتمد فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.

۶۱. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الاسلام. قم: اسماعیلیان.

۶۲. محقق سبزواری، محمد باقر. (بی تا). ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد. قم: آل البيت علیهم السلام.

۶۳. مدرسی طباطبایی، سید حسین. (۱۳۶۸ش). مقدمه ای بر فقه شیعه. ترجمه محمد آصف فکرت: مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی.

۶۴. مصطفوی، سید محمد کاظم. (۱۳۸۷ش). القواعد الفقهیه. قم: اسلامی.

۶۵. منتظری، حسین علی. (۱۴۰۴ق). کتاب الزکاه. قم: اسلامی.

۶۶. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۷۸ش). النخل فی الصلاه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).

۶۷. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۲ش). رساله توضیح المسائل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام خمینی.

۶۸. موسوی عاملی، محمد بن علی. (۱۴۱۱ق). مدارک الأحکام فی شرح شرائع الاسلام. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.

۶۹. وحید خراسانی، حسین. (۱۳۸۶ش). توضیح المسائل. قم: مؤسسه امام باقر علیه السلام.

۷۰. یزدی، سید محمد کاظم. (۱۳۸۸ش). العروه الوثقی والتعلیقات علیها. قم: مؤسسه السبطين علیهم السلام.